

هواهای بد و در میان درختان بزرگ
 و معاره ها مسکن میگردند بعد از
 قرنها که مدیته و تربیت انتشار
 یافت و در کن گردند که این مسکنها
 تنگ برایشان کافی نیست بفرسنگ
 و خانههای منظم و وسیع افتادند
 و تا امروز در پاره اقلیمهای حار بعض
 اهالی بطور سابق در میان ساقه
 درختان بزرگ و قبایل عرب در زیر
 چادرها مسکنهای گنبد قبایل تانار
 و پاره ایلات هم در الپیتها مسکن
 کرده و سوراخی از وسط آن برای برکن
 رفتن و دو میسکه از دو در هر فصلی بار
 ایشان را بجا و باو شتر حاصل کرده
 از محلی به محلی دیگر میروند و در آنجا
 یعنی منسب زمین سیاهها در
 کومه ها که از چوب یا فی ساخته و
 رویش را با علف یا برگ درختان
 پوشانده اند ساکن میباشند و در
 قدیم و یونانیان و مصریان به بنای
 خانههای خوب و بازیت زیاد
 داشتند .

بیایم بسر مطلب جاها نیکه برای مسکن
 انتخاب میشود در خوبی و لطافت هوا
 انجا وقت زیاد لازم است اولاً در
 زیر زمینها سکنا کردن ضررهای
 زیاد دارد برای اینکه در چنین جاها
 همیشه رطوبت موجود بوده هوا تازه
 نمی شود و (فاز) یعنی بخار یا جوهر که
 از سوختن چراغ حاصل گشته و با بخار
 پر میشود سبب بروز ناخوشی خنایز
 و ورم میشود و ویم در جای مرتفع و
 جاها نیکه با تلاق نباشد مکان
 کردن برای وجود فایده زیاد دارد
 ثالثاً در کوههای بلند که همیشه باد
 نسیم باشد مسکن کردن اگر چه برای
 صحت مزاج خوب است و کوهها
 بسیار بلند مضر است چونکه هوای آنجا با
 معتدل نبوده و بجهت وزیدن بادها
 شدید امراض کسیدی عارض
 میشود چنانکه در کوه سن برنارد و کوه
 و بعضی کوههای مرتفع کسانیکه مسکن
 گرفته اند غالباً بمرض کبد مبتلا می
 شوند در میان کوههای متلسل در

دره بواسطه اینکه هوا جریان کامل ندارد و رطوبت زایل نمی شود مسکن کردن باعث ظهور بعضی امراض است راجعاً جائیکه برای مسکن اخذ و انتخاب می کنند باید در اول کار بصیحت آنجا را فهمید که رطوبت زیاد وارد یا نه چونکه زمین با رطوبت مضرت است علی الخصوص خانهائی که در کودی بسیار و تقش با زمین مساوی باشد و همچنین در جائیکه قبرستان و مسکن آن نزدیک باشد توطن خوب نیست برای آنکه در چنین زمینها از تعفن اجساد غارها حاصل می شود که درینجا درجه بصحت مزاج مضرت وارد است چنانچه است که در مملکت های با نظرم قریباً رادورتر از شهرها و آبادیها شهر داده اند

خامسا خانه هاییکه میازند اگر در فصل زمستان طرف جنوبش در فصل تابستان طرف شمال مشرقی باز باشد موافق صحت خواهد بود برای زمستان و تابستان اطاقهای

یعنی نجارا

جد اکانه ساختن اگر باعث اسکال باشد اقلایک اطاق بصمت جنوب و دیگر طرفش بصمت شرقی شمالی پنجره داشته باشد خوب است که در فصل خود یک طرف را بازمی کنند در اطاقها و مجالس بزرگ که آدم زیاد باشد از تنفس آنها غار زغالی حاصل میشود و هوای اطاق را مسموم میکند تجدید باید کرد و الا مضرت زیاد دارد

ساواست نزدیک بجنک و جاهای پر خست سکنه گرفتن اگر چه علی العموم باعث صحت است ولی پر نزدیک بودن بواسطه رطوبت هوا ضررهای زیاد دارد و این معنی تجربه رسیده است آنها نیکه در میان جنک اقامت دارند بناخوشیهای مخصوص بستل میشوند و این بواسطه رسیدن شاخه های درختها با قشاب و بار رطوبت ماندن آنهاست و این رطوبت را که سکنه جنک با تنفس میکنند بسبب ظهور علت های زیاد میشود اما کوهها و خیابانها که درختها کاشته اند و خلی

باین ندارد
 تا بجا در کنار رودخانه اسکن
 گرفتن برای وجود فایده زیاد دارد
 تا مناسا در ساحل دریا که زیاد نزدیک
 نباشد که رطوبتش ضرر برساند منزل
 کردن خوب است اما در روی آب
 منزل کردن که بواسطه جریان هوا
 رطوبتش زیاد میشود مضرات
 تا سعاد در کنار با تلاقها و مردابها و
 آبهای بسیار و کثرت آبها مسکن
 کردن مضرت زیاد دارد و اگر چه
 چنین مکانها خانه ساختن از راه
 لایب می باشد باید فیما بین خانه و آبها
 منور و رختها بکارند کارخانه اشک از
 آنها دور و حاصل میشود باعث فساد
 هوا میگردد و باید احتراز از توپین
 چنین جاها کرد در جایکه با تلاق
 باشد در زمین های پست و جاها که
 آب بسیار و باشد منزل کردن
 باعث ظهور انواع مرضهاست و
 در جا های مرتفع که کوچه های وسیع
 و تمیز باشد منزل گرفتن برای صحت

وجود تا ثرات کلی دارد شهر باران
 نکا پیشترن و کوچها را همیشه جاروب
 کردن و خاک رویه آنها را بیرون بردن
 و آبهای چرک و کثیف را دفع کردن
 با خلعت کلی بخوبی هوا و صحت مزاج
 دارد عکس آن باعث ظهور ناخوشی
 های بد است خانه را مرتفع و مرتبه
 مرتبه روی هم ساختن باعث تحریک
 هوا و دخول بسیار آفتاب شد از طو
 خالی میشود سطح آفتاب را تحت کردن
 خوبست لکن چون تحت رطوبت را
 جذب میکند لهذا باید با قالی و غیره
 فرش بکنند و الا در پا عارض
 شود چون دیوار آفتاب و ایما از رطوبت
 خالی نیست لهذا نگه کردن دیوار
 مضرت است برای رفع این علت بهتر
 است که کاغذ بمانند اگر چه در
 کاغذ با بعضی رنگها هست که سمیت
 دارد وقتی که رطوبت دیوار بان میرسد
 دست آدم یا طفل بان خورد و پیش
 بر و خالی از مضرت نخواهد بود
 در رنگ و جنس کاغذ اطاق وقت

زیاد باید کرد و خوش را انتخاب نمود
 اطاقها بقدر امکان باید وسیع باشد
 اگر کوچک باشد و آسمان زیاد
 گذاشته شود توی آن هوای گرم میگیرد و
 باین جهت کسیکه در آن اطاق میخواهد
 اسید کار بونیک که برهه‌ی حاضری
 و یا حاضری نه‌غالی میگویند از تنفس
 او بیرون آمده هوای اطاق را مسموم
 کرده باعث ناخوشی تب میشود اگر
 در این جور اطاقها طفل کوچک بخواهد
 بناخوشی استخوان و ورم کند چاره‌اش
 اطباء مقدار وسعت اطاق خواب
 باین قرار معین کرده اند سه ذرع ارتفاع
 چهار ذرع طول چهار ذرع عرض در
 اطاق اگر بزرگتر و مقابل بخاری باشد
 باعث سهولت تجدید هوای خواهد شد
 در رستگان گرمی اطاقها از دوازده
 تا بیست و دو درجه لازم است زیاد تر یا کمتر
 ازین باعث ظهور بعضی مرضها خواهد
 شد اگر چه برای گرم کردن اطاقها چ
 آهنی سهل تر است ولی وقتی که زیاد
 گرم میشود از هوای او احتمال مضرت

است برای دفع مضرت آن باید یک
 ظرف آب یا سرکه روی آن گذارد
 در اطاق خواب شبها هر قسم کله‌ها
 گذاشتن مضرت است چونکه کله‌ها روز
 اسید کار بونیک از هوا بخورد جذب
 کرده و شب از خود دفع می نماید اگر در
 پترو اطاقها بسته باشد انشخص که
 خوابیده از تنفس او غاز زغالی
 کله‌ها مخلوط شده هوای اطاق را فاسد
 کرده باعث ظهور ناخوشیهائی می
 حتی بعضی اوقات سبب بللکها
 می شود در اطاق خواب سنگ
 و کوبه و حیوانات دیگر گذاشتن
 مضرت است چونکه از تنفس آنها
 غاز زغالی بیرون آمده هوای اطاق
 مسموم میکند
 میرزا بهرام مرچا جانگیر خوب
 بیان کردی
 آب و سینه چه چیز است
 و افعیات از ربعه که نام
 جانگیر آب و سینه بفت گویند
 بسیار است که اسم آنها قرص است و

عطار و وزهر شمس و مرغ و شمشیری
زحل اجنات اربعه آب و اش
خاک و باد است

در بیان موالید ثلثه

میرزا بهرام خاور را خواست
سوال کرد موالید ثلثه چیست
خاور — اول حیوانات دویم نباتات
سیم جمادات

میرزا بهرام — حیوانات چیست
خاور — هر قدر مخلوقات جاندار
است همه آنها حیوان گفته می شود
یعنی انسان و سایر جانوران از
قبیل آب و کاه و مرغ و ماهی است
کس و مورچه حیوان است که خوراک
نخور و تناسل کند یعنی بچه نزاید
خس و حرکت داشته باشد

میرزا بهرام — نباتات چیست
خاور — نباتات آن چیزی است
که از زمین برود مانند درختان مرغها
و گیاه و کلهای سبزه و خارها و

علف با و امثال آنها
میرزا بهرام — نباتات هم غذای
خورند و حرکت میکنند و بچه میدهند
یا نه خاور — بل نباتات هم غذا
نخورند و بچه میدهند و قوه حیات
هم دارند اما بخودی خود از جانی بیگانه
حرکت نمی توانند کرد و طریق
ایستادن شدن بعضی آنها این است
که بقدرت خدا از حرکت با و نسیم
گردی از نرها بروی ماده آنها برود
و سبب شود تخم دادن آنها میشود
چنانکه مکرر تجربه شده است مثلاً
بعضی کلهای از قبیل شبوی بر پر که
تخم نمی دید اگر کل شبوی پنج پر را
بل شبوی بر پر که دو دست شکفت
و باز شد و مانند بالند شبوی یک پر
نیز تخم میداد و مثل درخت خرما

در بیان جمادات

میرزا بهرام — جمادات چیست
خاور — جمادات آن چیزی است

که روح و آلات و اعضا در مثل
خاک و سنگ و طلا و نقره و شیشه
و سنگهای معدنی

میرزا بهرام پرویز را پیش خود
گفت آنچه را نیک از جمادات حاصل
شده و کارهای انسان را آسان
معلوم شده از سنگ درج و آنک
نیز گفتگو کردیم آیا جز اینها بطور دیگری
از جمادات فایده نیستوان برداشتن
پرویز - چرا از جمادات معدنی
سید میشود و از معدنی طلا و نقره و
طلا و این که طلای سفید است مس
مع سرب این تو تیا سنگ
الدهاس ز مرو یا قوت لعل فیروزه
ز بر جلا جورد مرمر و چند چیزهای
دیگر حاصل است
میرزا بهرام - خاصیت سنگهای
جواهر چیست
پرویز - درخشندگی و خوش منظر
و گران بها میشود
میرزا بهرام - عمدترین معدنیها
کدام است

پرویز - این مس سرب قلع رو
توتیا نقره و طلا و پلاتین یعنی طلای
میرزا بهرام - نافع ترین آنها کدام است
پرویز - این که خدا در قرآن نیز
ماکن فرموده وانزلنا الحديد و فيه
باس شدید و منافع للناس
بواسطه آهن است که راههای آهن
در فرنگستان و سایر قطعات نیاس
ساخته در یک ساعت ده فرسخ بگذرد
تر راه میرود از آهن اسباب زراعت
و فلاحیت و نعل و منج اسب و تفنگ
و توب و کشتیهای زره پوش و
شمشیر و هزار قسم اسبابهای دیگر
میسازند .

میرزا بهرام - فولاد چیست ؟
پرویز - از مرکب شدن آهن با
زغال خالص در معدن فولاد حاصل
میشود آهن را در یک آتش بسیار
تندی گذازند و بعد از آنکه گداخته یعنی
آب شد آنرا در میان آب بارون
زینون فرو میبرند و آنرا آب میدهند
و این عمل یعنی سختی و حالت شکنندگی
آهن را واقع میکنند

والاستقبیت یعنی حالت قبض و بسط
با این میدهد این جلا می خوب قبول
میکنند .

میرزا بهرام — الاستیک چیست
پرویز — این لفظ فرنگی است که در
فارسی اسم مخصوص ندارد و در عربی ^{اطا}
گویند قبض و بسط هم میتوان گفت الاستیک
تسلیت حالتی است که در اکثر حیوانات
و دیده میشود در وجود انسان و حیوانات
نیز هست چونکه تهریه دیده ام وقتیکه
میروم بواسطه گرمی حمام اجزای پایا
بمان فبسط شده قدری بزرگ شود
در گروه نسوان نیز سنکام وضع عمل
اینجالت است در جمیع فلزات است
سواى پلاتن که طلاى سفید باشد
حالت الاستیک است وقتی
که سردی هوا با آنها میرسد کوچک می
شوند همچنانکه که با آنها رسید باز به
حالت خود رجوع نماید از همه زیاد تره
صمغ درختی که مداد پاک کن درست
مگرد و همچنین بدین دست کشتها
میگذارند که آنرا کتا پرچه میگویند

است حالت الاستیک میگویند
میرزا بهرام — سرب چیست ؟
پرویز — سرب یک جسمی است
آبی رنگ نرم که با ناخن هم میشود جدا
گلوله و ساچمه تفنگ و بعضی لوله های
سربی و پاره آهن با بها از آن بسیارند
میرزا بهرام — سرب چیست ؟
پرویز — جسمی است رنگش بایل به
سرخ می که جلا می اعلی قبول میکنند و اگر
هوا با آن برسد جلایش اندک وقت
میرود از آهن نرم تر و از سرب سخت تر
شود و در وقت دست مالیدن یک
بوی ناخوش دارد از مس و یک طرفه
درست می کند خدا با قلع سفیدی
میکنند اگر در دیکه یا طرف مس
بی قلع طعام نرود یا است بگذارند
چند ساعتی بداند همیشه پدید میآید
و هر کس بخورد ضرر زیاد دارد بلکه می
کشد از مس پول — سیاه نیز سکه میزند
کشتیها را تا اندر بر توی است بخت
دوامش تنگه با مس میگیرند .
میرزا بهرام — قلع چیست ؟

پرویز — قلع بزنگ نقره سفید است
 از سرب نرم تراست مثل کاغذ نازک
 میتوان کرد دو وقت دو لاکرون صدا
 میکند و یک وظرفها را با قلع سفیدی
 کنند و با حیوه مخلوط کرده پشت نشسته
 بلور می مانند که روی دیگر آن آینه شود
 میرزا بهرام — حیو و چیت ؟
 پرویز — حیو معدنی است ابکی که
 مثل آب و بزنگ نقره که اخته میشود
 برای آینه و دواها مصرف میشود و
 حیوه را با آب وین یا خنصلا به کرده
 بر خوت بمالند شش و پاره جانور با
 بدر که از نایاکی و کثافت در بدن نهان
 بهم میرسد دفع میکند .
 میرزا بهرام — بزنج چیت ؟
 پرویز — مس را با قلع مخلوط کرده
 که اخته بزنج که زنگها بوزن میگویند
 درست می کنند توپ و نقل و
 اسباب در و پنجره و ساور و جام و
 غیره و غیره را از بزنج درست میکنند
 میرزا بهرام — تنگه یعنی آهن جلی
 چیت پرویز — ورقهای کوبیده

شده این است که آنها را میان
 قلع که اخته فرو میسازند بطور سفید
 میشود و از آنها بعضی ظروف میسازند
 که زنگ نمی گیرند .
 میرزا بهرام — توپا چیت ؟
 پرویز — مثل قلع زنگ رفته می
 است که از قلع سخت تر و از مس نرم
 و از سرب پیر تر آب میشود
 میرزا بهرام — نقره چیت ؟
 پرویز — نقره معدنی است بسیار
 سفید و زیبا که از سرب سبک تر
 و از طلا سخت تر است اسباب حافی
 و سر قلیان و ظروف و غیره میسازند
 و پول هم سکه میزنند در همه جای دنیا
 ازین معدن پیدا میشود .
 میرزا بهرام — طلا چیت ؟
 پرویز — طلا معدنیست زرد رنگ
 بسیار براق یعنی درخشنده و در وزن
 از همه معدنیات بخرطلای سفید
 سنگین تر است و در میان سکوات
 با قیمت تر از همه پول طلا است .
 میرزا بهرام — پلاتن چیت ؟

پرویز — طاقن طلای سفید است که
از طلای زرد قیمتاً کمتر و معدنش هم کم
یاست و در آب شدن از همه فلزات
سخت تر است و وقتی در رو سیاه این
سکه میزدند حالا موقوف است
میرزا بهرام — همه این قبیل معدنیات
چه میگویند ؟

پرویز — فلز میگویند.
میرزا بهرام آفرین پرویز مر جبار پرویز
روی تو سفید باشد که از بهدر سهای
خود واپس نماندی .

احتیاج چای که انسان بخواهد
ملاش دارد

میرزا بهرام خطاب بخاور و عده احتیاج
انسان چیست ؟
خاور — خوردن و آشامیدن
میرزا بهرام — انسان بجهت دفع
گرسی که خود در موجودات چه پیدا
می تواند بکند ؟
خاور — برای انسان بنرهایا و

و میوه های اکثر درختان و شکرکاه و کوه
و بز غذائی ساوه طبیعتی است و اگر کوه
اکثر حیوانات را از قبیل کوه سفید کاه
مرغها ما میها و شکارهای صحرائی نخته
بخورد یک غذای لذیذ و سبب زایل
قوت انسان است .
میرزا بهرام — برای غذا های انسان

مخصوصاًت عمده نافع چیست ؟
خاور — کندم جو از زن زرات
که آنها را در آسیا آرد کرده خمیر نمود
می پزند و قوت غالب انسان این
چیز است اما در اکثر جاهای و نکات
متمنی است سیب زمینی بسیار خورده
میشود بعد از کندم قوت و غذایت
سیب زمینی از اکثر حیوانات بیشتر است
میرزا بهرام — انسانرا غیر از غذای
احتیاج دیگر نیست ؟

خاور — و حاجت ضروری هم
دارد یکی لباس و دیگری مسکن منزل
میرزا بهرام — انسان برای در
کردن لباس چو راه پیدا کرده ؟
خاور — اول پوست حیوانات

<p>خاور — بی و ارد آنها را حرفت و صنعت می گویند .</p>	<p>می پوشینند بعد بر روز سوم و ششم و چرم آنها لباسهای لطیف و راحت ساختند و در آخر نوبه و ابریشم و گان را پیدا کرده از آنها کرباس و حریر و پارچهای مختلف ساختند . سیرز ابرام — انسان برای حفظ خود از برف و باران و سرما و گرما چگونه برای خود تدارک منزل کرده ؟ خاور — اول از درختهای جنگل و فی برای خود خانه و منزل ساختند بعد مرور از کل وحشت بعد ترقی کرده از سنگ و اجروا بک و کج خانهها محکم و وسیع و بازینت برای خود ساختند . سیرز ابرام — پس ازین قرار انسان برای خوردن و پوشیدن و خانه و دار منزل مجبور است که بعضی کارها مثل خاور — البته بدون حرفت و صنعت و شغل و کار زندگی کافی کردن برای آنها شکل بلکه محال است . سیرز ابرام — این شغلها و کارها ایا اسم مخصوص ندارد ؟</p>
<p>و بیان حرفت و صنعت</p>	
<p>سیرز ابرام طوطی را خواسته پرسید حرفت چیست ؟ طوطی — حرفت آنجور کار هست که بواسطه امداد دست ساخته میشود مثل نانوائی و خیاطی و کفش و وزی و بنائی و کتابت و زراعت و امثال انها و کسانیکه این کارها را می کنند آنها را اهل حرفت مینامند . سیرز ابرام — صنعت چیست ؟ طوطی — صنعت آن کارهاییست که علاوه بر امداد دست و سایر اعضا ساختن آنها بقوت عقلمیه محتاج شود مثل ساعت سازی و کشتی سازی و راه آهن و تلگراف و امثال آنها و کسانیکه این کارها را می کنند آنها را اهل صنعت مینامند . سیرز ابرام — مرجب بطوطی ظالم اوین</p>	

بارک الله از همه بهتر درس خود را پس
 و او
 میرزا ابراهیم اطفال را مریض کرد نه با
 بخورد بطوری از حاجی خسرو ولد خواست
 قصه با فایده کرده که برای اول نقل کنند
 حاجی خسرو ولد گفت آورده اند که کار
 بر کنار رودی بکازری مشغول بود هر روز
 در نانی را میدید که بر کنار رود در نشسته
 حیواناتی که در میان گل میسبانشند
 میخورد روزی باشه پیدا شد و تیرگی
 فریصه کرده قدری بخورد و قدری باقی
 گذاشت در نا که کلنگ باشد با خود فکر
 کرد که باشه با چنان شبهه خیره جانوران
 بزرگ را صید و شکار میکند و من با
 چنین سبک منقلم چه راه مخفی صیدی
 قناعت بنمایم و چرا باید من از بخت
 عالی بهره مند شسته باشم صلاح انت
 که بعد ازین بخت قناعت نکنم پس
 ترک شکار کرد و مترصد صید گاو تر و بوی
 با استاد کازر از دور تماشای حال باش
 و تیر میگرد چون کازر حیرت کلنگ
 ترک شغل خود کردن را دید تخریب شد و

تخرج کشاد از قضا گویم در این
 سدا شد کلنگت پریده قصد صید گاو تر
 کرد که تو تیر می کنی از آب نمور و از پیش
 وی در گذشته کلنگت از عقب او
 فرود آمد بر لب رود و بنقش و پایش در
 کل بماند هر چند جهد می کرد پروانه
 در وصل زیاد فرو میرفت و هر چه غوطه
 بیشتر میخورد پروانهش زیاد بکل الوده
 می شد کازر بیامد او را بگرفت و در
 بخانه نهاد و در راه دوستی پیش آمد و
 رسید که این صیت کازر گفت این
 کلنگی است که من خواست کار باشه کند
 خود را بساودا و این حکایت را برای
 آن کتقم تا نور چشمان من بدانند که هر
 بکار و شغل خود مشغول باید شود و حرفی
 که لایق او نیست نباید پیش ببرد

علامتهای آسمانی

میرزا ابراهیم مضموعات محمد الهیه
 واجب الوجود که حیرت بخش عقول بشریه
 و منظور دیده های بصیرت بین است

از قبیل باران و برف و باد و قوس قزح
 و برق و رعد و امثال آنها که از کوه نسیم
 بنظر میآیند سبب وقوع آنها را کمالاً
 بشما داده و داده بودم و حالاً میخواهم بر شما
 بکنید که اسباب مولد یعنی سبب تولید
 آنها چیست و این را باید طوطی بگوید
 طوطی — سبب وقوع و ظهور آنها مانند
 باد از هوا و باران و برف از آب و قوس
 قزح و باله از ضیاء شمس و رعد و برق از
 قوه الکتریقیه یعنی قوه که بر ما میاید یا مینمایند
 حاصل می شود .

میرزا بهرام — در این صورت لازم
 میآید که علایم آسمانی چهار قسم تقسیم شود
 طوطی — بلی چنین است آنچه بواسطه هوا
 ظاهر میشود علایم هوا میباشند آنچه سبب آب
 حاصل میشود علایم مائیه آنچه از ضیاء ظاهر
 میگردد علایم ضیائی و آنچه از قوه الکتریقیه
 ظاهر میشود علایم ناریه و یا قوه الکتریقیه
 میرزا بهرام — که هوا و آب از علایم هوا
 بعد و میشود جزو عناصر اربعه نیست ؟
 طوطی — خیر اینها نه از علایم مذکورند
 از عناصر است چونکه عنصر جسم بسیط است

و جسم بسیط با چنان جسم اطلاق میشود که
 بواسطه شیمی یعنی دو سازی اجزای مرکب
 آن را از هم سواگردن ممکن نشود یعنی هر
 آن از چند نوع اجسام مرکب نبوده فقط
 از یک جسم خلق شده باشد هر چند که
 متقدیمین آب و هوا را جسم بسیط حکما
 کرده و از عناصر محسوب داشته اند
 ولی حکمای متاخرین اینها را تجزیه کرده
 و ثابت نمودند و اندک هر که ام مرکب از
 چند جسمهای دیگر هستند و اجسامی را
 که حکمای قدیم بسیط و حکمای جدید
 بدون آنها را کشف و ثابت کرده اند
 عدد آن اجسام ثبوت و دور رسیده است
 میرزا بهرام — کمره نسیم چیست تعریف
 آن را بکنید ؟
 طوطی — کمره نسیم همان کمره هوست
 که از هر طرف کمره زمین را احاطه کرده
 میرزا بهرام — اگر چنین است کمره
 نسیم کمره هوای تو ان گفت .
 طوطی — هوا و کمره نسیم از هم دیگر جدا
 نمیشود ولی تیسر و ادن اینها از هم دیگر
 واجب و لازم است

میرزا ابرام - چه لزوم دارد تفریق آنها
طوطی - لزومش این است ان طبقات
هوا که کره زمین را احاطه کرده هوای سما
نیست بلکه در جوف آن مقدار زیادی
نخی رود خانیات و گازها و نمک حیوانی
سیار کوچک که چشم ما آنها را نمی بیند
و چندین چیزهای خفیف زیاد موجود است
این اشیا مخلوط با هوا که معا کره زمین را
احاطه کرده کره نسیم اطلاق میشود اما هوا
عبارت از آن هوای صاف است
که از سایر اجسام خالی و میراست
میرزا ابرام - مرغها و آن آدمیها بلکه
بواسطه بالون هوا بالا میروند و همچنین
قله کوههای بسیار بلند ایابگرد نسیم میرسد
طوطی - کوهی که بحسب ارتفاع کره زمین
تجاوز کند نیست و صاحبان روح
بزرگ که درجه محدود و هوا صعود میکنند
کرد و از آن حد بالاتر نمیتوانند تجاوز نمود
مرغی قوندون که از مرغهای سنگی دنیا است
و هفت ذرع طول پرهای اوست
هزار ذرع میتواند صعود کند و بسوی کلبه
که یکی از طبعیون فرنگستان است در

سازگاری مسیحی بواسطه بالون یا زره هزار
و پانصد ذرع صعود کرده است یا نصف
این کره نسیم را متوانسته اند تجاوز کنند
میرزا ابرام - ارتفاع کره زمین
طوطی - بعضی نود هزار و بعضی یکصد
دو هزار ذرع تخمین کرده اند و عین ابرام
گفتههای طبقات کره زمین بحسب نعلت
و سنگینی سنگ یکدیگر مسافتی نبودن آنها
زیادتر از مسافت فروردیه میشوند
صعود کنند لیکن طبقات هوا بر حسب
عادت مانند ورقهای کاغذ روی هم
جمع شده آنهاست که در رو واقع شده طبقات
زیر را فشار میدهند از طبقات زمین
کثیف و سنگین میشود و طبقه بالاتر از آن
خفیف تر همین سیاق هر قدر بالاتر رود
سبکتر میشود تا به درجه میرسد که آنجا
لطافت هوا هیچ ذره ای روح نمی تواند زند
کنند و میان هوایی که مرتفع تر از دو هزار
هزار ذرع باشد انسان را تعیش کردن
غیر ممکن است این مسئله در میان طبعیون
بدرجه ثبوت رسیده است که هوای جاها
بلند خفیف و هوای جاها پست کثیف

میشود ناشی از این حکمت است
 میزراهرام — اگر چنین است که شایسته
 میکنید پس چرا سنگینی آن احساس نمیکیم
 طوطی — بسبب اینکه از اطراف ما را
 احاطه کرده است لذا سنگینی هوا وجود
 ما اثر نمیکند الا با بالای سر خودمان از هوا
 کین نمود حمل می کنیم که سنگینی آنرا انسان
 میتواند تحمل شود و هوایی که بالای سر خودمان
 حمل میکنیم وزنش برابر است با آن تعادل
 آب که خنکاتش بعد از بدنمان در آنجا
 سیر و ذرع و نیم باشد و حسب وزن آنجا
 زیادتر است تا می بینیم کسیکه در حوضها
 بسیار عمیق می رود تا آب با اینکه متقدر از آب
 آب بالای سر او میباشد معذرا هر گز سنگینی
 آب را احساس نمیکند یا غواصیکه بنه
 دریا غوص کند بالای سر او مقدار آب
 میباشد که در خشکی صدیک آنرا نمیتواند حمل
 کند میزراهرام — برای موازنه
 هوا مثل دیگر بیان کن
 طوطی — اگر سر شیشه را با شیشه یا تاج
 بندد در توی آن قدری حیوه بریزد چون
 جوف شیشه هواست و هوای شیشه با

هوای بیرون موازنه دارد یا تجربه حیوه
 از سوراخهای مشین توی شیشه نمیتواند
 داخل شود اما بمنزله شیشه را سوراخ
 کنند که هوای او بیرون برود یا هوا
 آنرا با اسباب مخصوص که مخیله هوا
 مینامند خالی نمایند آنوقت موازنه
 بهم خورده از فشار و سنگینی هوای
 بیرون حیوه از سلامت مشین مثل
 قطره های کوچک باران شروع می
 کند توی شیشه چکیدن قطع نظر از آن
 مثل فشردن و تضییق هوا از اطراف
 ما از لوازم زندگی ما است بعلمت
 اگر این تضییق هوا نباشد خون انسان
 از چشمها و گوشها و لبها و سایر اعضا که
 پوست آن نازک باشد بیرون نفوذ
 کرده جاری میشود آنها را یک بواسطه
 بالون هوای بسیار خفیف صعودی
 کنند در همین مخاطره بستند
 میزراهرام آفرین طوطی چگونه کرد
 نیم را خوب بیان کردی هزار
 آفرین باریک الله درجا که در سیما
 را خوب پس دادی